

I See It Differently: 4 Polite Ways to Disagree

English learning resource · FA

Key words & expressions · English + Persian

9 learning entries

Study task: Listen again and notice the expressions you studied.

1

I take your point, but...

منظورت را می‌فهمم، اما...

DEF

I understand your argument, although I still have a different view or concern.

Acknowledge the other person's reasoning sincerely before presenting your contrast.

FA

من استدلال شما را درک می‌کنم، اگرچه هنوز دیدگاه یا نگرانی متفاوتی دارم.
استدلال شخص دیگر را صادقانه قبل از ارائه کنتراست خود بپذیرید.

I take your point, but the deadline may be too ambitious.

من نقطه خود را می‌گیرم، اما مهلت ممکن است خیلی بلند پروازانه باشد.

I take your point, but we should test the idea first.

نکته شما را می‌گیرم اما ابتدا باید این ایده را آزمایش کنیم.

2

I see it differently

من جور دیگری به آن نگاه می‌کنم

DEF

I have a different interpretation or opinion.

Calm and direct; it focuses on perspective rather than declaring the other person wrong.

FA

من تفسیر یا نظر متفاوتی دارم.
آرامش و مستقیم؛ آن را بر چشم انداز متمرکز به جای اعلام شخص دیگر اشتباه است.

I see it differently because the risk is quite small.

I see it differently به دلیل خطر بسیار کوچک است

We agree on the goal, but I see the method differently.

ما در مورد هدف موافق هستیم، اما روش را متفاوت می‌بینم.

3

I'm not sure I agree

مطمئن نیستم که موافق باشم

DEF

I have doubts about accepting that opinion or proposal.

Not sure softens the disagreement; your voice should sound thoughtful, not sarcastic.

FA

شک دارم که این نظر یا پیشنهاد را بپذیرم.
مطمئن نیستید که اختلاف نظر را نرم می‌کند؛ صدای شما باید متفکرانه به نظر برسد، نه طعنه آمیز.

I'm not sure I agree that a longer meeting will help.

I'm not sure I agree که یک جلسه طولانی تر کمک خواهد کرد

I'm not sure I agree with that conclusion.

I'm not sure I agree با این نتیجه



4

That's not necessarily the case

لزوما این طور نیست

DEF

That statement is not always true; there may be exceptions or missing information.

It challenges a general claim without saying that the entire idea is completely false.

FA

این بیانیته همیشه درست نیست؛ ممکن است استثنا یا اطلاعات از دست رفته وجود داشته باشد.
این یک ادعای عمومی را به چالش می کشد بدون اینکه بگوید کل ایده کاملاً نادرست است.

Working from home always reduces teamwork. That's not necessarily the case.

کار کردن از خانه همیشه کار تیمی را کاهش می دهد. این لزوماً مورد نیست.

Expensive equipment guarantees better results. That's not necessarily the case.

تجهیزات ارزان نتایج بهتری را تضمین می کند. این لزوماً مورد نیست.

5

I understand where you're coming from, but...

می فهمم چرا این نظر را داری، اما...

DEF

I understand the experience or reasoning behind your view, although I disagree.

Especially useful when emotions or personal experience influence the conversation.

FA

من تجربه یا استدلال پشت دیدگاه شما را درک می کنم، اگرچه من مخالفم.
مخصوصاً زمانی که احساسات یا تجربه شخصی بر مکالمه تأثیر می گذارند.

I understand where you're coming from, but we still need a clear policy.

می دانم از کجا می آیید، اما ما هنوز به یک سیاست روشن نیاز داریم.

I understand where you're coming from, but the budget is limited.

می دانم از کجا می آیید، اما بودجه محدود است.

6

I'm not convinced that...

قانع نشده‌ام که...

DEF

I do not yet believe that an idea, claim or plan is correct or effective.

Professional and evidence-focused; it invites the other person to provide stronger reasons.

FA

من هنوز اعتقاد ندارم که یک ایده، ادعا یا برنامه درست یا موثر است.
حرفه ای و مبتنی بر شواهد؛ آن را دعوت به فرد دیگر برای ارائه دلایل قوی تر.

I'm not convinced that this change will save time.

من متقاعد نیستم که این تغییر زمان را نجات دهد.

I'm not convinced that we have enough information yet.

هنوز متقاعد نشده‌ام که اطلاعات کافی داریم.

7

We may have to agree to disagree

شاید باید بپذیریم که اختلاف نظر داریم

DEF

We may need to accept that neither person will change their opinion.

Use it to close a respectful disagreement when further debate is unlikely to help.

FA

ممکن است لازم باشد بپذیریم که هیچ کس نظر خود را تغییر نخواهد داد.
استفاده از آن برای بستن اختلاف نظر احترام زمانی که بحث بعدی بعید است.

We may have to agree to disagree on that point.

ما ممکن است در این مرحله موافقت کنیم.

We still respect each other, but we will agree to disagree.

ما هنوز هم به یکدیگر احترام می گذاریم، اما موافقت می کنیم که با هم اختلاف نظر داشته باشیم.



8

Could there be another way to look at it?

آیا می‌شود از زاویه دیگری به آن نگاه کرد؟

DEF

Could we consider a different perspective or interpretation?

A question that opens the discussion instead of directly rejecting the first idea.

FA

آیا می‌توانیم دیدگاه یا تفسیر متفاوتی را در نظر بگیریم؟
سوالاتی که بحث را به جای رد مستقیم ایده اول باز می‌کند.

Could there be another way to look at the problem?

آیا راه دیگری برای بررسی مشکل وجود دارد؟

Before we decide, could there be another way to look at it?

قبل از تصمیم‌گیری، آیا راه دیگری برای نگاه کردن به آن وجود دارد؟

9

I agree up to a point

تا حدی موافقم

DEF

I partly agree, but not completely.

State the area of agreement first, then explain calmly where your view changes.

FA

من تا حدودی موافقم، اما نه کاملاً.
ابتدا منطقه توافق را در نظر بگیرید، سپس با آرامش توضیح دهید که نظر شما در کجا تغییر می‌کند.

I agree up to a point, but cost is not the only factor.

من تا یک نقطه موافقم اما هزینه تنها عامل نیست.

I agree up to a point; however, the plan still needs testing.

من تا یک نقطه موافقم؛ با این حال، برنامه هنوز نیاز به تست دارد.

